

چالش‌های انجام حسابرسی توافقی‌نامه‌های چند جانبه زیست محیطی در جمهوری اسلامی ایران

ارائه شده در کارگروه حسابرسی زیست محیطی آسوسای

۱۷ سپتامبر-۲۳ سپتامبر ۲۰۱۸

سید عباس میرنجفی، مهتاب عساری

با توجه به گسترش معضلات زیست محیطی، ماهیت فرامرزی و تبعات گسترده منفی آن بر اقتصاد و مسائل اجتماعی بدیهی است که صرف وجود توافقی‌نامه‌های چند جانبه زیست محیطی، حفاظت از محیط زیست تامین نمی‌گردد. در این راستا، موسسات عالی حسابرسی به عنوان نهادی نظارتی با انجام انواع حسابرسی مشارکتی قادر خواهند بود تا نقش مهمی در حفاظت از محیط زیست ایفا نمایند. از این رو سعی شده تا در مقاله حاضر با بررسی چالش‌های حسابرسی توافقی‌نامه‌های زیست محیطی در جمهوری اسلامی ایران گامی موثر در این مسیر برداشته شود.

مقدمه:

معضل آلودگی و تخریب محیط زیست از مهم‌ترین و حادث‌ترین پیامدهای تمدن و پیشرفت صنعتی در جوامع انسانی در ده‌های اخیر به شمار می‌رود. کاهش منابع طبیعی، تغییر اقلیم، افزایش دما، بالا آمدن سطح آب دریاها بواسطه ذوب شدن یخ‌های قطبی، بیابان‌زایی، خشکسالی، کمبود آب شیرین، از بین رفتن تنوع زیستی،

انتشار گازهای گلخانه‌ای، انباشت و گسترش پسماندها و اسیدی‌شدن آب اقیانوس‌ها تهدیدی برای محیط زیست جهانی محسوب می‌گردند. آگاهی تدریجی کشورها از فرامرزی بودن و عدم تحدید معضلات زیست محیطی به مرزهای جغرافیایی خاص، زمینه‌ساز همگرایی بین‌المللی در سیاست‌های جهانی در جهت تکوین و توسعه قواعد و مقررات بین‌الملل محیط زیست در قالب توافق‌نامه‌های فرامرزی و جذب آن در قواعد داخلی را فراهم آورده است. از سوی دیگر با توجه به ماهیت و دامنه گسترش این معضلات، توافق‌نامه‌های مذکور در ابعاد مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی منعقد می‌گردند. در همین راستا، جمهوری اسلامی ایران به عضویت بیش از بیست کنوانسیون و پروتکل زیست محیطی منطقه‌ای و بین‌المللی نظیر کنوانسیون مربوط به تالاب‌های مهم بین‌المللی بویژه تالاب زیستگاه پرندگان آبی "رامسر" (۱۹۷۱)، کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از آلودگی ناشی از کشتی‌ها "مارپل" (۱۹۷۳)، کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های جانوران و گیاهان وحشی در معرض خطر انقراض و نابودی "سایتیس" (۱۹۷۳)، کنوانسیون حفاظت از لایه ازن "وین" (۱۹۸۷)، کنوانسیون کنترل انتقالات فرامرزی پسماندهای زیان‌بخش و دفع آنها "بازل" (۱۹۸۹)، کنوانسیون سازمان ملل متحد برای بیابان‌زدایی (۱۹۹۴)، پروتکل کیوتو در مورد کنوانسیون تغییرات اقلیم (۱۹۹۸)، پروتکل ایمنی زیستی "کارتاهانا" (۲۰۰۰)، کنوانسیون استکهلم "POPs" (۲۰۰۱)، کنوانسیون چارچوبی حفاظت محیط زیست دریای خزر (۲۰۰۳)، کنوانسیون تغییرات اقلیم "پاریس" (۲۰۱۵) و... درآمده است.

در جمهوری اسلامی ایران به موجب اصول ۷۷ و ۱۲۵ قانون اساسی آن، کلیه عهدنامه‌ها، مقاوله‌نامه‌ها، قراردادهای و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی میان دولت ایران با سایر دولت‌ها و همچنین پیمان‌های مربوط باید به تصویب مجلس برسند و سپس رئیس‌جمهور یا نماینده قانونی او آنها را امضاء کند. از سوی دیگر به موجب ماده ۹ قانون مدنی "مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول، منعقد شده باشد در حکم قانون است". در بند ب اصل ۱۵ سیاست‌های کلی ابلاغی مقام معظم رهبری در حوزه محیط زیست نیز بر ضرورت تقویت دیپلماسی محیط زیست با توسعه مناسبات و جلب مشارکت و همکاری‌های هدفمند و تأثیرگذار دوجانبه، چندجانبه، منطقه‌ای و بین‌المللی در زمینه محیط زیست تأکید گردیده است.

در خلال پانزدهمین نشست کنگره بین المللی موسسات عالی حسابرسی (اینِتوسای) که در سال ۱۹۹۵ در قاهره برگزار گردید، حفاظت و توسعه محیط زیست به عنوان بخشی از وظایف موسسات عالی حسابرسی مورد توجه قرار گرفت. علاوه بر این در نشست فوق مقرر شد تا اینِتوسای، موسسات عالی حسابرسی کشورها را ترغیب نموده تا در صورت امکان در زمینه حسابرسی رعایت توافقنامه‌های بین‌المللی با یکدیگر همکاری نمایند و حسابرسی مشترک و یا هم زمان بین موسسات عالی حسابرسی مورد حمایت قرار گیرد؛ زیرا که موسسات عالی حسابرسی قادر خواهند بود تا به مدد صلاحیت‌های خود به شیوه‌ای منحصر به فرد به ارزیابی انحراف‌های اجرای توافقنامه‌های چند جانبه زیست محیطی پرداخته و ماحصل فعالیت خود را در قالب گزارش به مجلس و ذینفعان ملی و بین‌المللی ارائه دهند. این همکاری، زمینه مبادله اطلاعات و تجربه در میان کشورها و نیز افزایش تخصص و مهارت و فرصتی واقعی جهت حسابرسی را به همراه خواهد داشت. در این راستا نیز جمهوری اسلامی ایران با درک اهمیت انجام حسابرسی توافقنامه‌های چند جانبه زیست محیطی (MEAs) در این زمینه گام‌هایی برداشته است و با چالش‌هایی نیز در این خصوص مواجه می‌باشد. از این رو در مقاله ذیل دیوان محاسبات جمهوری اسلامی ایران در سه بخش به بررسی چالش‌های انجام حسابرسی توافقنامه‌های چند جانبه زیست محیطی (MEAs) می‌پردازد:

۱. مهمترین معضلات زیست محیطی فرا مرزی جمهوری اسلامی ایران
۲. اقدامات جمهوری اسلامی ایران در راستای اجرای حسابرسی توافقنامه‌های چند جانبه زیست محیطی (MEAs)
۳. چالش‌های موجود در راستای اجرای حسابرسی توافقنامه‌های چند جانبه زیست محیطی (MEAs)

۱.مهمترین معضلات زیست محیطی فرامرزی جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران با ۱,۶۴۸,۱۹۵ کیلومتر مربع وسعت با مرزهای بسیار طولانی (۶۰۰۰ کیلومتر) با هشت کشور افغانستان، پاکستان، ترکمنستان، ترکیه، ارمنستان، جمهوری آذربایجان و عراق مرزهای زمینی مشترک داشته و با هفت کشور دیگر بحرین، عمان، عربستان، امارات، عربستان در جنوب و قزاقستان، روسیه و

تاجیکستان در شمال به واسطه مرزهای دریایی (۲۷۰۰ کیلومتر) همسایه محسوب می‌شود. این امر بستر ساز همکاری‌ها و انعقاد توافق‌نامه‌های بسیار منطقه‌ای در زمینه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، زیست محیطی و... را فراهم نموده است. در این بخش به مهمترین معضلات مهم منطقه‌ای و توافق‌نامه‌های موجود در این خصوص اشاره می‌گردد.

الف. خلیج فارس و دریای عمان (در جنوب) و توافق‌نامه‌های موجود

خلیج فارس آبراهی بین‌المللی محسوب می‌گردد که نقشی حائز اهمیت در انتقال انرژی مصرفی جهان دارد. سالانه مقادیر بالایی آلودگی وارد آب‌های خلیج فارس می‌شود. این آلودگی حاصل نشت نفت از لوله‌ها، چاه‌ها و تاسیسات نفتی و تخلیه آب توازن کشتی‌ها و نیز فعالیت دستگاه‌های آب شیرین‌کن می‌باشد. مزید بر اینکه تمرکز فعالیت‌های صنعتی و تولیدی در کنار سواحل خلیج فارس امکان خوبی برای صنعت فراهم کرده تا بدون کمترین هزینه، پساب‌های خود را در این آب‌ها رها سازند. آلودگی‌های مذکور به طور مستقیم و غیرمستقیم بر روی عناصر و منابع محیط اثر گذاشته و باعث از بین رفتن آنی یا تدریجی منابع می‌شود. بیشترین اثرات آلودگی‌های نفتی بر روی گونه‌های گیاهی کف دریا و جزایر مرجانی است که خود محل مناسبی برای تکثیر و لانه‌گذاری ماهیان و رشد لارو آنهاست.

علاوه بر مطالب معنون، رقابت برای برداشت بی‌رویه شن از دریا و نیز احداث سازه‌هایی مانند جزایر مصنوعی از سوی غالب کشورهای ذینفع در منابع طبیعی این خلیج در تشدید این وضعیت بحرانی نقش بسزایی دارد. به طوری که سازمان جهانی دریانوردی (IMO) این دریا را منطقه دریایی ویژه (از نظر میزان آلودگی) اعلام کرده است.

اهم قوانین و کنوانسیون‌های مربوط به آلودگی دریاها که ایران به آن الحاق گردیده است، به شرح ذیل می‌باشد: کنوانسیون منطقه‌ای حفاظت از خلیج فارس و دریای عمان (راپمی). کنوانسیون راپمی دارای چهار پروتکل به شرح زیر می‌باشد: ۱. کنوانسیون منطقه‌ای کویت برای همکاری دربارهٔ حمایت و توسعه محیط زیست دریایی و نواحی ساحلی در برابر آلودگی (۱۹۷۸)؛ ۲. پروتکل همکاری منطقه‌ای برای مبارزه با آلودگی ناشی از نفت و

سایر مواد مضره در موارد اضطراری کویت (۱۹۷۸)؛ ۳. پروتکل راجع به آلودگی دریایی ناشی از اکتشاف و استخراج از فلات قاره (۱۹۸۹)؛ ۴. پروتکل راجع به حمایت محیط زیست دریایی در برابر منابع آلودگی مستقر در خشکی مواد زاید زیان بخش و دفع آنها (۱۹۹۰)؛ کنوانسیون بین‌المللی جلوگیری از آلودگی ناشی از کشتی‌ها (مارپل)، کنوانسیون بین‌المللی آمادگی، مقابله و همکاری در برابر آلودگی نفتی (OPRC)، کنوانسیون جلوگیری از آلودگی دریایی از طریق مواد زائد و دیگر مواد (لندن).

شایان ذکر است همکاری کشورهای حاشیه خلیج فارس و دریای عمان در اجرای صحیح کنوانسیون‌ها و پروتکل‌های موصوف و اقدام موسسات عالی حسابرسی در انجام حسابرسی‌های مشترک و اعمال نظارت‌های لازم نقش بسزایی در کاهش آلودگی‌های این منطقه خواهد داشت.

ب دریای خزر (در شمال) و توافق‌نامه‌های موجود

دریای خزر به عنوان بزرگ‌ترین دریاچه جهان با خصوصیتی از قبیل شبکه حمل و نقل و مهمتر از آن وجود ذخایر عظیم نفت و گاز طبیعی و تنوع زیستی گسترده و توانمندی‌های شیلاتی از جمله حساس‌ترین اکوسیستم‌های جهان می‌باشد وجود منابع ارزشمند در دریای خزر، منافع کشورهای منطقه و حتی فرمانطقه‌ای را متأثر خود ساخته است، لذا تعامل و همکاری کشورهای بین ساحلی در دستیابی به منافع دریای خزر و تعامل جهت حفظ و نگهداری دریا از آلودگی‌ها و پایش زیست محیطی، می‌تواند این منطقه را مبدل به مامن صلح و ثبات منطقه‌ای نماید. از این رو قوانین و مقررات زیست محیطی و معاهدات بین‌المللی همانند کنوانسیون حفظ محیط زیست دریای خزر (کنوانسیون تهران) کشورهای ساحلی را نسبت به فعالیت‌هایی برای تثبیت وضعیت این دریاچه و جلوگیری از گسترش آلودگی‌ها موظف کرده است، لیکن فاضلاب‌های صنعتی، آلودگی‌های نفتی، زباله‌ها به همراه سموم و آفت‌کش‌ها در باغات و اراضی و ورود آنها به دریا باعث افزایش بی‌رویه آلودگی‌ها شده که تعامل دولت‌های ساحلی و همکاری‌های منطقه‌ای موسسات عالی حسابرسی در انجام حسابرسی مشترک می‌تواند نقش بسزایی در کاهش آلودگی‌ها داشته باشد.

ج رودهای بین‌المللی و پدیده گرد و غبارها (در مرزهای شرقی و غربی) و توافق‌نامه‌های موجود

در خاورمیانه، تغییرات آب و هوایی با تبدیل بارش‌ها از برف به باران سبب تشدید خشکسالی و تنش‌های آبی می‌شود. این در حالی است که با توجه به تغییرات اقلیم و گرمایش زمین پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۵۰ منابع آب در حوزه‌های آبریز این منطقه کاهش بسیار شدیدی یابد. مزید بر این که منطقه مذکور از جمله مناطق با کشورهای در حال توسعه و جمعیت روبه افزایش می‌باشد. از این رو کمبود آب نه تنها مانعی برای توسعه پایدار می‌باشد، بلکه بهانه‌ای برای رو در رو قرار گرفتن دولت‌ها و تنش‌های داخلی می‌باشد. در طی دهه‌های اخیر، مدیریت ناپایدار آب و مناقشه بر سر "حقابه" در حوزه رودخانه‌ها و دریاچه‌هایی که در این منطقه بین دو یا چند کشور مشترکند یا آب آبخیزهایی که فراتر از مرزهای بین‌المللی می‌روند به شدت مشهود می‌باشد. مزید بر این که سوء مدیریت رودهای مشترک منجر به خشک شدن تالاب‌ها (نظیر هامون در شرق و هورالعظیم در غرب) و به تبع آن بروز پدیده گرد و غبار شده است که مرزهای شرقی و جنوب شرقی ایران را متاثر از خود ساخته است.

۲. اقدامات جمهوری اسلامی ایران در راستای اجرای حسابرسی توافق‌نامه‌های چند

جانبه زیست محیطی (MEAs)

مؤسسات عالی حسابرسی به واسطه انجام حسابرسی موافقت‌نامه‌های چندجانبه زیست محیطی قادر خواهند بود تا نقش مهمی در ارزیابی آسیب‌ها، چالش‌ها و انحرافات و اثربخشی این موافقت‌نامه‌ها ایفاء نمایند. در این راستا دیوان محاسبات جمهوری اسلامی ایران با بسترسازی‌های مناسب در این خصوص نظیر ترجمه استانداردها و رهنمودهای مرتبط نظیر رهنمود برنامه حسابرسی مشترک میان مؤسسات عالی حسابرسی (استاندارد پیشنهادی ۵۸۰۰) و تالیف کتبی در این خصوص نظیر **حسابرسی زیست-محیطی** (۲۰۱۷) (در فصل چهارم این تالیف به طور کامل به چگونگی حسابرسی توافق‌نامه‌های زیست

محیطی پرداخته شده است) و نیز ارائه مقالاتی نظیر *حسابرسی زیست محیطی دریای خزر* که در نشست کارگروه حسابرسی زیست محیطی اینتوسای آرژانتین به عنوان حسابرسی با شیوه‌ای خلاقانه مورد توجه قرار گرفت و در آوریل ۲۰۱۲ در نشریه آسیایی حسابرسی آسوسای منتشر گردید، گام موثری در این راستا برداشته است. موسسه عالی حسابرسی جمهوری اسلامی ایران، در این مقاله سعی نموده به جای پرداختن به یک موضوع از موضوعات متنوع زیست محیطی در منطقه‌ای کوچک از دریای خزر، ضمن آسیب شناسی ساز و کارهای حاکم بر محیط زیست دریای خزر، به بررسی سهم کشورهای ساحلی در آلودگی دریای خزر، اقدامات مشترک کشورهای ساحلی خزر در کنترل آلودگی آب، چالش‌های حسابرسی زیست محیطی دریای خزر پرداخته و در انتها بر اساس یافته‌ها و نتایج حاصل از حسابرسی، توصیه‌هایی برای بهبود وضعیت محیط زیست آن ارائه نماید.

با هدف تقویت بنیه آموزشی و ظرفیت‌سازی حسابرسان در سطح داخلی و با توجه به اهمیت حسابرسی توافقی‌نامه‌های چندجانبه زیست محیطی، این دیوان ضمن تالیف جزوات آموزشی در این خصوص، آشنایی با انجام حسابرسی توافقی‌نامه‌های زیست محیطی را در سرفصل‌های آموزشی خود قرار داده است. مزید بر این‌که با توجه به مصوبه پانزدهمین نشست کمیته آموزشی اکوسای در خصوص تعهد دیوان محاسبات جمهوری اسلامی ایران به برگزاری دوره حسابرسی زیست محیطی در این منطقه (در سپتامبر ۲۰۱۵)، این دیوان پس از بررسی و نیازسنجی‌ها با توجه به معضلات زیست محیطی منطقه و استانداردهای موجود، *مبحث حسابرسی توافقی‌نامه‌های زیست محیطی چندجانبه* را در سرفصل دوره آموزشی خود با حضور نمایندگان از کشورهای اکو برگزار شد، قرار داد.

در سال ۲۰۱۷، موضوع *حسابرسی آسیب‌شناسی روند اجرای کنوانسیون حفاظت از دریای خزر* از سوی ایران پیشنهاد و اولین جلسه برنامه‌ریزی و هماهنگی انجام این حسابرسی مشترک با حضور نمایندگان دیوان محاسبات کشور روسیه، ایران و آذربایجان در کشور روسیه برگزار شد. در این نشست، دیوان محاسبات جمهوری اسلامی ایران به جهت انجام اثربخش مطلوب این حسابرسی پیشنهاد نمود تا به جای تمرکز بر حسابرسی مشکلی زیست محیطی خاص در دریای خزر (حسابرسی جزئی) آن بر حسابرسی کلان و ساختاری

این کنوانسیون نظیر آسیب‌های مترتب بر کنوانسیون، درستی ساختار و ساز و کارهای حاکم بر دریای خزر، بررسی چرایی عدم تدوین پروتکل‌های این کنوانسیون، ضمانت اجرایی، بررسی تدوین قواعد استانداردها، رویه‌ها و خط مشی‌ها جهت کاهش و کنترل آلودگی آب و ... تاکید گردد.

در نهایت، با توجه به معضل مشترک و منطقه‌ای بروز پدیده گرد و غبار در مرزهای غربی کشور و افزایش دامنه تسری آن به دیگر بخش‌های کشور و نیز وجود توافق‌نامه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی در این حوزه نظیر کنوانسیون مقابله با بیابان‌زایی، دیوان محاسبات جمهوری اسلامی ایران در سال ۲۰۱۲ طرح پیشنهادی همکاری جهت انجام حسابرسی پروژه‌های پیشگیرانه با موضوع گرد و غبار در منطقه آسیا را به روسای اینتوسای و آسوسای اعلام نمود. سازمان آسوسای نیز این موضوع را در قالب پروژه به موسسات عالی حسابرسی کشورهای آسیایی اعلام نمود. هدف از پروژه مذکور بررسی کیفیت اقدامات انجام شده کشورهای آسیایی توسط موسسات عالی حسابرسی این کشورها، تسهیم دانش در این خصوص و در نهایت ارائه توصیه‌هایی برای افزایش کارایی آنها می‌باشد. بر این اساس دیوان محاسبات جمهوری اسلامی ایران پیشنهاد کرده بود تا حسابرسی به طور همزمان توسط دیوان محاسبات کشورهای شرکت کننده در پروژه انجام و سپس در جلسه یا کارگروهی تجارب و دستاوردهای هر کشور برای سایرین به اشتراک گذاشته شود.

شایان ذکر است دولت جمهوری اسلامی ایران، تا کنون چند سند بین‌المللی (پروتکل یا بیانیه) در خصوص گرد و غبار در سازمان ملل به تصویب رسانده است.

۳. چالش‌های موجود در اجرای حسابرسی توافق‌نامه‌های چند جانبه زیست

محیطی (MEAs) در دیوان محاسبات جمهوری اسلامی ایران

۱. هرچند در طی دهه‌های اخیر، تعداد و دامنه توافق‌نامه‌های بین‌المللی زیست محیطی به شدت افزایش یافته است؛ لیکن برخی از این موافقت‌نامه‌ها، به این علت که تکالیف دولت‌ها در آنها بسیار مبهم بوده و هیچ ساختار

الزام‌آوری حتی در جهت جبران تجاوزات آشکار از این توافق‌نامه‌ها وجود ندارد، قابل اجرا نمی‌باشند. مزید بر این که برخی از توافق‌نامه‌های زیست محیطی چارچوبی بوده و اجرای کامل و به تبع آن حسابرسی آنها منوط به تصویب پروتکل‌های آن می‌باشد. به عنوان نمونه کنوانسیون حفظ محیط زیست دریای خزر (کنوانسیون تهران) از این دست کنوانسیون‌ها است. تحقق تعهدات کنوانسیون تهران از طریق پروتکل‌های آن امکان‌پذیر می‌شود. بر این اساس، تهیه و تصویب چندین پروتکل، توسط کشورهای ساحلی پیش‌بینی شده است (ماده ۲۴ کنوانسیون). هر یک از این پروتکل‌ها، منبعث از اهداف کنوانسیون، اهداف مهمی از پیشگیری و مهار آلودگی و حفظ محیط زیست دریای خزر را دنبال می‌کنند. لیکن با عنایت به این که این تمامی این پروتکل‌ها، بدلیل تعدد و تفاوت نظرات کارشناسی پنج کشور ساحلی تا کنون به تصویب اعضاء متعاقد نرسیده، برخی از این اهداف نیز تا کنون محقق نشده‌اند.

۲. با توجه به ماهیت توصیه‌ای و غیرالزام‌آور بودن برخی از توافق‌نامه‌های چند جانبه زیست محیطی در صورت وجود فرایندها و سیاست‌های داخلی مناسب برای اجرای توافق‌نامه‌های چند جانبه زیست محیطی و نیز وجود ضمانت‌های اجرایی لازم و اجرای واقعی آنها، حسابرس قادر خواهد بود تا اثر بخشی، کارآمدی و اقتصادی بودن این توافق‌نامه‌ها را در بعد داخلی مورد بررسی قرار دهد. لیکن در صورت عدم اتخاذ سیاست‌های کلان و فقدان بسترسازی مناسب جهت اجرایی شدن یک توافق‌نامه و نیز فقدان قوانین و آیین‌نامه‌های اجرایی، انگیزه موسسات عالی حسابرسی به انجام حسابرسی اثربخش و کارا بر روی این گونه از توافق‌نامه‌ها به شدت کاهش می‌یابد. با توجه به مطالب عنوان شده با در نظر گرفتن بحران‌ها و شرایط خاص امنیتی، اجتماعی، سیاسی حاکم بر کشورهای خاورمیانه به صرف پیوستن به یک توافق‌نامه بین‌المللی نظیر مبارزه با بیابان‌زایی امکان حسابرسی مشترک آن را محقق نمی‌سازد.

۳. غالباً دولت‌ها تمایلی به عضویت در توافق‌نامه‌های زیست محیطی که متضمن تحمیل مسئولیت‌های بین‌المللی و نیز تحدید حاکمیت و خودمختاری آنها می‌گردد را ندارند. مسائل و ملاحظات مربوط به موضوع حاکمیت ممکن است یک توافق‌نامه را حتی بعد از مرحله تکمیل در معرض تضعیف قرار دهد. گرچه حقوق بین‌الملل بر این امر اصرار می‌ورزد که دولت‌ها به تعهداتشان احترام بگذارند، اما ممکن است دولت‌ها به طور یک‌جانبه از

توافقی که قبلاً نسبت به آن رضایت داده‌اند، خارج شوند. این موضوع حسابرسی توافق‌نامه‌های چندجانبه زیست محیطی و به ویژه فعالیت‌های پیگیری این نوع از حسابرسی‌ها را به شدت تحت تاثیر قرار می‌دهد

۴. اختلافات فرهنگی، تاریخی، مذهبی و نظام‌های حاکم سیاسی و زبان از عوامل دخیل در انتخاب حسابرسی توافق‌نامه‌های زیست محیطی، نوع حسابرسی و در نهایت میزان همکاری در انجام حسابرسی می‌باشد. چنین اختلافاتی بر شیوه حسابرسی، تهیه گزارش و میزان صرف زمان تاثیرگذار است.

۵. الزامات داخلی موسسات عالی حسابرسی و نیز ساختار اداری کشوری که موسسه عالی حسابرسی در آن مستقر می‌باشد، عاملی تعیین‌کننده در تعیین دامنه فعالیت موسسات عالی حسابرسی محسوب می‌گردد. از این رو روشن شدن نقش‌ها و مسئولیت‌های موسسات عالی حسابرسی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار می‌باشد، به ویژه هنگامی که اختیارات و صلاحیت‌های متفاوت، ممکن است مشکلاتی را در رابطه با شیوه حسابرسی، استانداردهای مورد استفاده و روش گزارش‌دهی به دستگاه‌های مقننه و دولت‌ها بوجود بیاورد.

۶. با عنایت به این که تحقق حداکثری اثربخشی حسابرسی توافق‌نامه‌های زیست محیطی منوط به مشارکت تمامی اعضاء متعاقد در کنوانسیون به انجام آن حسابرسی می‌باشد. عدم تمایل و رغبت تمامی اعضاء عضو کنوانسیون برای انجام حسابرسی یک توافق‌نامه چند جانبه زیست محیطی که به دلایل مختلفی صورت می‌پذیرد به کاهش اثربخشی نتایج حاصله از حسابرسی مربوطه منجر می‌گردد.

نتیجه‌گیری

همکاری میان موسسات عالی حسابرسی جهت حسابرسی توافق‌نامه‌های چند جانبه فرصت مبادله اطلاعات و تجربه میان آنها و نیز افزایش تخصص و مهارت را به همراه خواهد داشت. موسسات عالی حسابرسی به واسطه انجام حسابرسی موافقت‌نامه‌های چندجانبه زیست محیطی قادر خواهند بود تا نقش مهمی در ارزیابی آسیب‌ها، چالش‌ها و انحرافات و اثربخشی این موافقت‌نامه‌ها ایفاء نمایند. از این رو با توجه به چالش‌های بسیار در مسیر اجرای این نوع حسابرسی زمینه سازی و اهتمام به اجرای این نوع از حسابرسی پیشنهاد می‌گردد.